



اندیشه های تنهایی

پروفسور سید حسن امین

(بخش سوم)

۱۱- یادداشت های تنهایی من و بلای تبارد ۱۹۷۰

من عنوان «یادداشت های تنهایی» را به ابتکار خودم برای این دلنوشته ها انتخاب کرده بودم. حالا با کمی ناباوری متوجه شدم که پیش از من گابریل گارسیا مارکز (نویسنده کلمبیایی و برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۸۲) هم سال ها پیش از من چیزهایی نوشته است با عنوان یادداشت های روزهای تنهایی!

گور پدر دنیا. من خودم که می داتم از روی دست کسی کپی نکرده ام! هر که باور نکند، برود نوشته های آقای مارکز را بخواند! به من چه؟ چه کار کنم که توارد شده!

بعد تحریر - دو ساعت بعد اضافه می کنم: یادداشت های مارکز را خواندم. خوشبختانه کوچکترین شباهتی به یادداشت های من ندارد. این نکته را فقط برای خودم می نویسم. کسی نباید بفهمد. به خدا یادداشت های تنهایی من از یادداشت های روزهای تنهایی مارکز... تر است!

تحریر بعد تحریر - هیچ خواننده ای در این باب حق داوری ندارد. من این را تنها برای خود خود خود نوشتم! در خلوت خلوت

خلوت تنهایی تنهایی تنهایی خودم! کفایت است؟

۱۲- سردار جنگل و شاعر سعدی

ابراهیم فخرایی (از یاران میرزا کوچک خان سردار جنگل) را سال ها پیش در خانه حسن نبوی در خیابان آناطول فرانس، کوچه فرداش می دیدم و دخترش دکتر فخرایی حالا چهارشنبه ها به کلاس حافظ شناسی ما در دفتر ماهنامه حافظ می آید. حسن نبوی (نماینده نیشابور در مجلس و قاضی دیوان عالی کشور) از دوستان پدرم بود. دهه چهل که من ابراهیم فخرایی را در منزل او می دیدم، نبوی عضو انجمن آثار ملی بود و به این اعتبار، دکتر عیسی صدیق، عکس او را در کتاب یادگار عمر چاپ کرده است. باری، از فخرایی، شنیدم که میرزا کوچک خان این بیت سعدی را در خلوت و جلوت پیوسته زمزمه می کرده است:

هلاک ما به بیابان عشق خواهد بود

کجاست مرد که با ما سر سفر دارد

از این روایت دو نتیجه مختلف می توان گرفت:

الف. قضا و قدری بودن یعنی فیتالیست Fatalist بودن میرزا کوچک خان و باور او به شهادتش که از مقوله حماسه هایی ست که در آنها، قربانی شدن معصومانه عین پیروزیست!

ب. اظهار دلتنگی از نداشتن یاران موافق و از خودگذشته که تا پای جان در راه هدف مقاومت کنند.

۱۳- موفقیت

موفقیت، یک اتفاق نیست. تلاش مداوم و مستمر رمز موفقیت است.

۱۴- نسبت من با دنیاها

چه نسبت خاک را با عالم پاک؟ اما من این یادداشت ها را در تنهایی خودم و برای خودم می نویسم. البته باید با خودم صادق باشم. روز سه شنبه ۱۶ شهریور [1389] رفته بودم پیش دکتر. در خواب خرناسه می کشم. خَر و پف می کنم. این هم از عوارض تفسیست که آلودگی هوای تهران آن را تشدید می کند. بله نزد دکتر ایرج صهبای یغمایی، نوه یغمای جندقی (شاعر و ناقد اجتماعی عصر قاجار)



تجسّم خلاق.

شخص موفق، مهمترین چیزی که می تواند به آن برسد، برمی گزیند: همت بلند.

شخص موفق، آگاهانه روی هدف های والای خود تمرکز می کند.

نتیجه اخلاقی: هر کس می تواند چیزی را که برایش بیشتر مهم است، به دست آورد!

۲۴- یک هیاس معالفارق

دکتر عنایت الله رضا (برادر ارشد پروفیسور فضل الله رضا) ماه گذشته در نود سالگی با کوله باری سنگین از تألیف و ترجمه از دنیا رفت. او در جوانی عضو حزب توده بود و در پی فرار به شوروی همراه زعمای فرقه دموکرات در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ به اعدام محکوم شده بود. برادرش پروفیسور رضا که در اواخر دهه ۱۳۴۰ رئیس دانشگاه تهران و پس از آن سفیر ایران در یونسکو بود، توانست او را نجات دهد. راه نجات او نیز چنین بود که به ابتکار ایشان، دکتر عنایت الله رضا را از طریق یونسکو، از

در ملازمت یکی از دوستان و همکلاسی های دانشکده ام (فتح الله تویی، قاضی سابق دادگستری که اکنون وکالت می کند)، به دیدن من آمده بود. راستی را - اگر نخواهم تواضع کنم - باید بنویسم که «برای» دیدن من آمده بود. به قول او، هیچ حقوقدانی نمی تواند از این موفقتر باشد که در یک دانشگاه معتبر در انگلستان استاد صاحب کرسی حقوق شده باشد و همزمان با استادی رسمی تمام وقت، در عالیترین دادگاه های اروپا (مجلس لردان انگلستان، دادگاه عالی اتحادیه اروپا، دادگاه حقوق بشر اروپا و...) هم، حق وکالت داشته باشد.

وکیل دادگستری جوان پرسید: راز موفقیت شما چیست؟

گفتم: مختصری استعداد، داشتن هدف و زحمت زیاد.

چند دقیقه ای آنچه واجب بود، صادقانه به او گفتم. حالا هم برای راهنمایی جوانترها می نویسم که:

شخص موفق پیوسته به اهدافی که چشم انتظارش هست، فکر می کند:

رفته بودم. دکتر یغمایی قبل از اینکه به حرف های من گوش کند، بعضی از رباعیات مرا از حفظ خواند و بعد گفت: من نمی خواهم به خیام بی حرمتی کنم. من کسی نیستم که قادر به نقد و فهم خیام باشم. اما من رباعیات شما را از رباعیات خیام بهتر می دانم و بیشتر می پسندم. رباعیات خیام نشاندهنده سرگردانی فلسفی ست و بیشتر منفی ست. رباعیات شما اندیشه های مثبت است. پیام دارد. خلاصه، من شما را خیلی دوست دارم و همیشه آثارتان را می خوانم.

بدون اینکه باد به غبغب بیندازم و رعوتی نشان دهم، از مقایسه خودم با خیام از طرف یک پزشک متخصص هفتاد ساله خوشحال شدم و با تواضع از این حُسن نظر تشکر کردم.

بعد از همه اینها، دکتر یغمایی، از حلق و گوش و بینی من معاینه کاملی کرد، نسخه به من داد و حق ویزیت هم نگرفت!

۲۵- راز موفقیت

امروز صبح چهارشنبه ۳۱ شهریور [۱۳۸۹] یک خانم جوان وکیل دادگستری

تدریس خصوصی زبان فارسی

خانم محبوبه با ۲۲ سال تدریس در ایران، آماده

تدریس خصوصی زبان فارسی به فرزندان شماست



832-713-5815

تلفن اطلاعات:

PARTY D.J

دی جی پارتی پارتی تولد

مراسمها جشنها با داریوش

ALL OCCASIONS:
WEDDINGS, ANNIVERSARY,
BIRTHDAYS, GRADUATIONS,
SPECIAL OCCASIONS
By Daryoush



281-850-7994

شوروی با پاسپورت شوروی به پاریس دعوت کردند و در آن جا دو سال نگاه داشتند تا عاقبت او را با گذرنامه ایرانی به تهران رساندند و با آنکه در ایران به دلیل فعالیتش در فرقه دموکرات آذربایجان، در دادگاه نظامی به اعدام محکوم شده بود، پرونده اش درست شد.

پرونده دکتر عنایت الله رضا به همین طریق بسته شد. یعنی با اینکه حکم اعدام داشت، پرونده اش «ماست مالیزه» شد و در کتابخانه پهلوی که در خیابان شاهرضا در فاصله کاخ و وصال واقع بود و من به همراه دوستم منوچهر صدوقی سها برای دیدن خانم حشمت درویش مکرر به آن جا رفته بودم، استخدام شد. رئیس آن کتابخانه هم البته دکتر شجاع الدین شفا (معاون

فرهنگی وزارت دربار رژیم سابق و نویسنده کتاب های ضد دینی سال های اخیر) بود. من، مرحوم محمدعلی امام شوشتری را هم اول بار در همان کتابخانه پهلوی دیدم. رژیم سابق سرانجام با پا درمیانی جمعی از خیراندیشان، صلاحیت دکتر عنایت الله رضا را که حکم اعدام او هم به دلیل خیانت به کشور صادر شده بود، به عنوان عضو تمام وقت هیات علمی دانشکده دماوند تأیید کرد.

اکنون، من حق دارم در خلوت خود اندیشه کنم که چگونه در رژیم سابق محکومان به اعدام هم اگر ظرفیتی داشتند، در حوزه تخصصشان به عضویت هیات علمی در می آمدند ولی در رژیم حاضر صلاحیت من برای تدریس و قلمزنی تأیید نشده است.

من از این تفاوت عملکرد رژیم لاحق و سابق به چند نتیجه زیر می رسم:

۱- گناه من که در هیچ دادگاهی سابقه محکومیت ندارم، از گناه کسانی که محکوم به اعدام بوده اند، سنگینتر است.

۲- رژیم سابق خیلی ظالم بود که یک دانشمند توده ای محکوم به اعدام را مشمول عفو قرار داد و در دانشگاه استخدام کرد.

۳- رژیم کنونی خیلی عادل است که یک دانشمند مسلمان فاقد پیشینه کیفری را فاقد صلاحیت تدریس و قلمزنی می شمارد.

۴- نتیجه اخلاقی (البته به طنز یا نه طنز!) من غلط کرده ام که مسلمان مانده ام! باید توده ای می شدم!



دفتر ترجمه و خدمات ایرانیان

Office of Translation & Iranian Services

Member: H.c.c. Language Dept.

به سرپرستی: مسعود هژدی



☑ ویزای نامزدی K-1
☑ ویزای ازدواج K-3

☑ کارت سبز از طریق پدر، مادر، فرزندان و یا ازدواج
☑ خدمات Medicaid و Medicare برای سالمندان
☑ تنظیم وصیت نامه
☑ گرفتن Citizenship برای افراد واجد شرایط بدون امتحان

☑ اخذ کارت ملی
☑ ترجمه رسمی کلیه مدارک
☑ تعویض شناسنامه
☑ تجدید - تمدید و تفکیک پاسپورت ایرانی
☑ عکس پاسپورتی
☑ تنظیم وکالت نامه و گواهی امضاء
☑ ثبت ازدواج و طلاق به طریقه اسلامی
☑ تمدید ویزای توریستی
☑ پاسپورت سفید Re-entry Permit

6420 RICHMOND AVE. SUITE 430
HOUSTON, TX. 77057

TEL.: (713) 781-0900
FAX (713) 781-0943

ASHVA4247MOAEDI HALF